

بسط معنویت در جامعه با رویکرد هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مقایسه‌ای وین دایر و مولوی (صفحات ۲۰۷ تا ۲۳۸)

محبوبه رحمانی خلیلی^۱ * پرویز عباسی داکانی^۲ * عبدالحسین طریقی^۳

پنیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۵

دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۶

چکیده

بسط معنویت در زمره موضوعات بنیادین تفکر نظریه‌پردازانی است که به ضرورت‌هایی همانند خودشناسی، اخلاق، رفتار همکاری‌جویانه انسانی و عبور از بحران‌های معنوی زمانه توجه دارند. وین دایر و مولوی را می‌توان در زمره نظریه‌پردازانی دانست که زمینه بسط معنویت را برای زیست بهتر جامعه فراهم آوردند. این دو اندیشمند در بسط معنویت از سازوکارهای معرفت‌شناسانه و هستی‌شناسانه بهره گرفته و در صدد برآمدن تا آموزش را به همراه قالب‌های کنش رفتاری و درک زیست معنوی با مسئولیت‌پذیری انسانی پیوند دهند. معنویت به‌عنوان یکی از ضرورت‌های فراموش‌شده انسان مدرن محسوب می‌شود. مدرنیته محور اصلی رفتار انسان‌ها را بر اساس ضرورت‌های زندگی مادی، لذت‌های زودگذر شکل داده است. فراموشی جامعه انسان معناگرا در ساختار مدرن را می‌توان در زمره چالش‌های اصلی زندگی اجتماعی عصر مدرن دانست. در چنین شرایطی، بخش قابل‌توجهی از فلاسفه و دین‌پژوهان و معناگرایان عصر جدید تلاش دارند تا به موازات سازوکارهای تأمین عدالت، آزادی و حقوق عمومی شهروندان و چگونگی سازوکارهای بسط معنویت را در جامعه‌ی انسانی با نگرش الهی محور مورد بررسی قرار دهند. پرسش اصلی مقاله آن است که «در رویکرد هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی وین دایر و مولوی چه نشانه‌ها و الگوهایی برای بسط معنویت در جامعه جهت زیست معنوی با رویکرد هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی وجود داشته است؟» فرضیه مقاله به این موضوع اشاره دارد که در اندیشه وین دایر، روان‌درمانی و مثبت‌اندیشی عامل پیونددهنده و خودشکوفایی فرد و اجتماع محسوب می‌شود. نگرش مولوی ماهیت عام‌گرایانه داشته و پاسخ‌گویی بسط معنویت برای تمامی افراد یک جامعه بوده است و همچنین مولوی، رفتار انسان را بر اساس معرفت‌شناسی، تقوا و خویش‌داری تبیین نموده است. در تنظیم مقاله از روش‌شناسی تحلیل مقایسه‌ای استفاده شده است.

واژگان کلیدی: هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، شاخص‌های معنویت، بسط معنویت اجتماعی، وین دایر، مولوی.

۱. دانشجوی دکتری گروه ادیان و عرفان، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه ادیان و عرفان، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ (نویسنده مسئول).

dr.parviz.abbasi.dakani39@gmail.com

۳. استادیار گروه ادیان و عرفان، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۱- بیان مسئله

معنویت را می‌توان به‌عنوان گوهر گمشده نسل‌هایی دانست که درگیر فردگرایی، اثبات‌گرایی و کنترل گسترده دولت در نظام سرمایه‌داری شده‌اند. معنویت در هر عصری رابطه درهم‌تنیده‌ای با مذهب داشته و انسان معنوی، باید خود را بر اساس آموزه‌های دینی هماهنگ سازد. در عصر موجود نشانه‌هایی از سردرگمی و تنهایی انسان مدرن وجود دارد. وین دایر و مولوی در زمره آن گروه از نظریه‌پردازانی هستند که زیرساخت‌های معنویت را با اندیشه‌های الهی و قالب‌های روان‌شناختی پیوند داده‌اند.

مولوی محور اصلی تفکر خود را نجات انسانیت دانست که مبتنی بر قالب‌های تفکر اجتماعی و آموزه‌های دینی و سنت در عصر خود بوده است. مولوی بعنوان یک شاعر تعلیمی و انسان ساز شناخته شده است. حقیقت در اندیشه معنوی و عرفانی مولوی مربوط به شرایطی است که انسان تلاش نماید تا از زیست کاذب دنیایی و فریبده خود را نجات داده و با واقعیت‌های جدیدی پیوند دهد که با هدف الهی و معنوی بنیان گذاری شده باشد. وین دایر شکل دیگری از معنویت را که با الگوهای اندیشه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری شهروندان در عصر مدرن زمینه‌سازی شده بود، تبیین نمود (اعتماد و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۱).

وین دایر به‌عنوان یکی از رهبران جنبش معنوی نوین محسوب می‌شود که تمام تلاش خود را برای بازیابی معنویت در جامعه عصیان‌زده گرفتار سکولاریسم و عرفی شدن انجام داده است. به همین دلیل است که سعی می‌نماید تا برای انسان وظایف جدیدی را تعریف کند که با آموزه‌های آرمانی پیامبران پیشین هماهنگی داشته باشد. مسئله اصلی معنویت در اندیشه وین دایر آن است که انسان از قابلیت‌های درونی و پتانسیل ویژه‌ای برخوردار است که می‌تواند از خود محوری و تنهایی عبور نموده و در پیوند با دریافت انرژی الهی از کائنات و تجارب روان‌شناختی، راه نجات خود را امکان‌پذیر می‌سازد.

در فرهنگ دهخدا واژه «معنویت» {م ی ن وی} مصدر جعلی معنوی و به معنای معنوی بودن است. معنویت اصطلاحی است که در میان بزرگان اندیشه، تعاریف گوناگونی دارد و به طور عام اشاره‌ای است به بعد غیر مادی و باطنی انسان. این حس، با آرامش روحی و میزان گرایش انسان به حیات طیبه ارتباط مستقیمی دارد. فطری بودن معناگرایی و گرایش درونی انسانها به معنویت، با توجه به نگرشهای مختلف، تعاریف

متنوعی دارد. معنویت حقیقی، معنویت همراه با ایمان به خدا و عمل به شریعت است و حس معناگرایی انسان معنوی، تنها در سایه‌ی بینش ایمان و عمل به آرامش و تعالی روح حاصل می‌شود (میرزایی، ۱۳۹۷: ۱۰۸)

اندیشه معنویت در عصر مدرن از این جهت قابل اهمیت است که بخش قابل توجهی از افراد و همچنین گروه‌های اجتماعی در جامعه مدرنیته و فردگرایی در وضعیت سرگردانی و چالش‌های درونی قرار گرفته‌اند. در این راستا، انسان تلاش می‌نماید تا جایگاه و هویت خویش را جستجو نماید و شناخت حقیقی خود را بیابد. مفهوم بسط معنویت در جامعه این امکان را فراهم می‌سازد تا شناخت الهی را در قالب‌های بنیادین تفکر اجتماعی و تکنولوژی فکر در عصر موجود را در فرد و گروه‌های اجتماعی نهادینه و کاربردی نماید.

تبیین و کالبد شکافی اندیشه بسط معنویت وین دایر و مولوی تمامی تلاش فکری خود را در جهت بهره‌مندی آموزه‌هایی به کار گرفتند که زمینه لازم برای ارتقاء پتانسیل‌های درونی انسان آشوب‌زده و گروه‌های اجتماعی پراکنده در عصر فردگرایی و سودگرایی، جهت آرامش از دست رفته انسان، بهینه‌سازی نمایند.

وین دایر بر این اعتقاد بود که پیشرفت و عقب‌ماندگی هر فرد و جامعه‌ای ارتباط مستقیم با تفکر و ذهنیت درونی و آموزه‌های فردی او دارد. به همین دلیل است که مفاهیمی همانند «خودترغیبی»، «خودتشویقی» و «تمرکز ذهن» را در روش‌شناسی گذار انسان جدید از بحران‌های عصر نوین تبیین نمود. مولوی نیز مفاهیم مربوط به معنویت را در اندیشه اجتماعی خود به کار گرفت و زمینه پیوند معنویت و عرفان را به وجود آورد و همچنین چگونگی پیوند «عالم کبیر» و «عالم صغیر» را با شناخت درونی انسان بررسی و ترسیم نمود. به قول مولانا «ما درون را بنگریم و حال را».

در اندیشه مولوی، جهان اصلی سر تا سر به عنوان عالم کبیر و انسان به تنهایی عالم صغیر نامیده می‌شود. به این معنی که هر چه در عالم هستی وجود دارد، نمونه و نمودارش در وجود انسان نیز انعکاس یافته است.

به عبارت دیگر، بسط معنویت در اندیشه وین دایر، موضوعی انسانی، اجتماعی، دنیوی و سکولار یا همان معنویت بدون مذهب محسوب می‌شود. درحالی‌که سازوکار مبتنی بر بسط معنویت در رویکرد و اندیشه مولوی بر اساس چگونگی پیوند الهی انسان با

بسط معنویت در جامعه با رویکرد هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مقایسه‌ای وین دایر و مولوی.....

شناخت درونی، آرامش فردی، تحرک اجتماعی به همراه اندیشه عقوبت اخروی شکل گرفته است. در اندیشه مولوی رشد یابندگی و تکامل انسان با دستورات الهی و سازوکار مذهب شکل می‌گیرد تا مراحل کمال و سلوک را فرد طی نماید و در نهایت به سعادت دنیوی و اخروی برسد. به بیانی دیگر، همبستگی انسان و جامعه، دنیا و آخرت، فردیت و جمع‌گرایی توأم با خرد و آگاهی الهی اساس تفکرات مولوی محسوب می‌شود.

مسئله اصلی مقاله تبیین این موضوع است که نشانه‌ها و دامنه معنویت در تفکر انسان‌شناسی وین دایر و مولوی چگونه بوده و هر یک از آنان بر اساس چه نشانه‌هایی به تبیین اندیشه خود در حوزه فرهنگی، اجتماعی و درک معنایی رفتار انسانی مبادرت ورزیدند. مبانی و اصول معنویت در نگرش مولوی تعیین می‌کند که چگونه می‌توان از یک ارزش معنوی در سطح کلان زندگی بهره گرفت و هیچ‌گونه مخاطره‌ای برای سایر شهروندان بوجود نیاید و درک هم‌نوعان و احساس مسئولیت اجتماعی را برای احاد جامعه زمینه‌سازی نمود. مولوی اندیشه خود را بر اساس آموزه‌های اجتماعی و مبانی دینی و سنتی که دریافت کرده بود در سروده‌های گوهربار مثنوی معنوی خود آن را تبیین نمود. مثنوی مولوی گنجینه‌ای عظیم از معارف دینی، احوال عرفانی، مسائل زندگانی و امور اجتماعی و روانشناسی و یکی از منابع دینی و عرفانی جهان اسلام است که مقتدا و مرجع اهل‌دل معنی شده است. مثنوی مولوی مبتنی بر نشانه‌هایی از معنویت انسان‌شناسانه بوده که با نشانه‌های هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی پیوند می‌یابد که به «انسان‌نامه» معرفی شده است.

۲. ادبیات پژوهش

مفاهیم بنیادین بسط معنویت در اندیشه مقایسه‌ای وین دایر و مولوی محورهای اصلی اندیشه انسان‌شناسانه این دو اندیشمند بر اساس نشانه‌هایی از «خدامحوری، خودشناسی، تفکر، عشق به خدا و کائنات، معنویت، صلح و آرامش درونی» تعریف و شناسایی شده است. با توجه به این موضوع که، بحران هویت در دوران وین دایر گسترش بیشتری یافته بود و جامعه در وضعیت سرمایه‌گذاری و منفعت‌طلبی و لذت‌جویی فردی به دور از واقعیت‌های معنوی قرار گرفته بود و گسترش و بسط معنویت در چالش عملگرایی قرار داشت، وین دایر با سازوکار انسان‌شناسی جدید که

تابع عصر مدرنیته بود اصول معنویت‌شناسی خود را بیان نمود. در مقایسه با وین دایر، جامعه در دوران مولوی مبتنی بر نشانه‌هایی از «خدامحوری» و «تبعیت از سنت الهی» بوده، که ارائه‌ی اندیشه‌های مولوی می‌توانست فضای جدیدی از قالب‌های ادراکی عرفانی را برای خدامحوری و شناخت معنویت و هستی‌شناسی را پایه‌ریزی نماید، که دارای آثار و پیامدهای معرفت‌شناسانه باشد.

مبانی نظری بسط معنویت در تحلیل مقایسه‌ای وین دایر و مولوی وین دایر و مولوی از طریق مفهوم بسط معنویت، زمینه ایجاد آگاهی معطوف به حرکت و تغییر را در زندگی اجتماعی و الهی انسان‌ها به وجود آوردند. وین دایر نیز بر اساس قالب‌های روانشناسی الهی خود به نشانه‌هایی از شتاب‌زدگی، هیجانات، پیش‌داوری‌ها و تأثیرات ذهنی ناشی از عدم شکیبایی انسان مدرن تأکید دارد که تحقق آن را از طریق خودیابی انسانی امکان‌پذیر می‌سازد.

همچنین دایر توانستند بر اساس آموزه‌های روان‌شناختی و کنش اجتماعی تأثیر قابل توجهی بر نسل خود و همچنین نسل‌های آینده به جای گذارد. محور اصلی این موفقیت «خودآگاهی»، «خودیاری»، «انگیزشی» و «تمرکز ذهن» می‌باشد. خودیاری زمانی حاصل می‌شود که انسان‌ها در وضعیت «آگاهی، هشیاری و شناخت محیطی» قرار داشته باشند.

وین دایر به انسان جدید می‌آموزد که چگونه می‌تواند با تمرکز ذهن موفق شود. موفقیت یکی از محورهای اصلی اندیشه دایر بوده است. وین دایر در پایین‌ترین سطح اجتماعی جامعه آمریکا رشد کرده و مدتی نیز در نیروی دریایی آمریکا مشغول به کار شد. تجربه فردی وی نشان می‌دهد که فقر اقتصادی و اجتماعی، او را با پدیده‌ی اعتیاد به الکل روبه‌رو ساخت. دایر توانست از طریق تلقین‌های درونی، تمرکز بر موفقیت و مدیتیشن از چنین شرایطی عبور نماید. (شریفی دوست، ۱۳۹۱: ۱۷۷).

اندیشه‌های بنیادین مولوی مبتنی بر چگونگی منطقی هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه قرار دارد که دارای منشأ عرفانی است. مولوی در اندیشه معنوی اجتماعی خود به نقد الگوهای رفتار افرادی مبادرت ورزید، که آنان از نهاد بنیادین خود یعنی مذهب و معنا غفلت کرده‌اند. مولوی تأکید دارد، انسانی می‌تواند از این غفلت درونی نجات یابد که به خودشناسی خود، یعنی زدودن رذایل اخلاقی و پرورش فضایل اخلاقی مبادرت ورزد و

بسط معنویت در جامعه با رویکرد هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مقایسه‌ای وین دایر و مولوی

به مرتبه تشخیص صفات صالح از ناصالح رسد.

شاید بتوان به این موضوع اشاره داشت که انسان‌شناسی مولوی مبتنی بر قالب‌های فکری و تحلیلی نهاد محور و دین‌گرایانه بوده است و تفکر وین دایر به معنویت عمدتاً ارتباط مستقیمی با کارکردهای فکری، شناختی و الگوهای رفتاری انسان‌هایی دارد که از عمل‌گرایی دینی و مناسک فاصله گرفته و قادر به هماهنگ‌سازی خود با مبانی مذهبی در جامعه سکولار نیستند و هدف بیشتر عملگرایی اجتماعی است را تبیین نمود. به همین دلیل است که وین دایر از مبانی تحلیل اجتماعی، برای جذب انرژی الهی، بیان اندیشه‌های خود بهره می‌گیرد (بیانی، ۱۳۸۲: ۶۳).

۳. روش پژوهش

در تبیین روش و فنون بسط معنویت در انسان‌شناسی مولوی و وین دایر از روش‌شناسی معرفتی بهره گرفته شده است. ویژگی اصلی روش‌شناسی معرفتی آن است که مقولات مذهب، زمان، مکان، طبقه و الگوی رفتار اجتماعی هر فرد تابعی از عوامل اجتماعی و فرهنگی است که با شاخص‌های الهی تعریف شده، مفصل‌بندی می‌شود. شاخص‌های رفتار هر جامعه را باید ناشی از چگونگی زندگی اجتماعی و رفتارهای معناگرایانه آن عصر در جوامع سنت و مدرنیته انسانی تبیین و بررسی نمود.

۴. تحلیل تجربی

مبانی و نشانه‌های بسط معنویت در اندیشه وین دایر

اندیشه بسط معنویت یک عملکرد اثربخش فراگیر است که مخاطبین خود را می‌تواند در جامعه سنتی و همچنین جامعه مدنیته تحت تأثیر قرار دهد. تحلیل مقایسه‌ای اندیشه‌های مولوی و وین دایر درباره بسط معنویت را می‌توان به عنوان یکی از الگوهایی دانست که امکان فراهم نمودن واقعیت‌های انسانی را به عرصه اجتماعی فراهم می‌آورد. در اندیشه وین دایر، بررسی ابعاد روان‌درمانی انسان معاصر یکی از دغدغه‌های امروز بشریت است. عبور از چالش‌های اجتماعی و روانی انسان و جامعه مدرن نیازمند اتکا به دستیابی انرژی الهی و درک مفهوم معنویت و اشاعه آن در جامعه برای زیست صحیح معنوی خواهد بود.

محور اصلی اندیشه‌های وین دایر معطوف به روان‌درمانی بوده است. به همین دلیل

است که وین دایر از سازوکارها و روش‌شناسی روان‌شناسی برای تبیین معنویت بهره گرفته است. وین دایر معنویت را بر اساس سازوکارهای مدیریت و کنترل ذهن انسان برای موفقیت اجتماعی به کار گرفته است. با توجه به این رویکرد می‌توان به این موضوع اشاره داشت که روان‌درمانی وین دایر نیز مبتنی بر نشانه‌هایی از معنویت پایدار و فراگیر خواهد بود (حسین‌پور، ۱۳۹۶: ۲۹).

کنترل ذهن نیازمند زبان فکری هوشمندانه و مسالمت‌جویانه است. موضوع اصلی آن است که انسان واقعیت‌های اجتماعی را چگونه درک می‌کند و چگونه می‌تواند بر آن اثرگذار باشد. ذهن انسان در شرایطی پرورش می‌یابد که با مشکلات عمومی روبه‌رو شده و بتواند ذهن خود را برای انجام موضوعات مثبت و مؤثر به کار گیرد. فهم حقیقت در شرایطی امکان‌پذیر است که انسان واقعیت‌های پرمخاطره زندگی و نظام هستی را درک نموده و برای مقابله با محدودیت‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی اجتماعی، هماهنگی ذهن و الگوی رفتاری و عشق به هموعان خود آن را کاربردی سازد.

به مفهومی دایر معتقد است، قلبی که سرشار از عشق الهی به همه انسان‌ها و کائنات است مرزهای جغرافیایی را نمی‌شناسد. عشق الهی بدون عقلانیت امکان‌پذیر نخواهد بود. عقلانیت انسان رابطه بین انسان، خدا و جامعه را در بستر تاریخی فراگیر می‌سازد. وین دایر تأکید دارد که هرگونه پیشرفت انسان صرفاً از طریق بصیرتی حاصل می‌شود که نتیجه تجربه انسان از آموزه‌های الهی است که این آموزه از ابعاد اجتماعی و تاریخی و شناخت الهی انسان حاصل می‌شود. (دایر، ۱۳۸۲: ۹۲).

روان‌درمانی وین دایر

روان‌درمانی یکی از روش‌های درمانی پرکاربرد در حوزه سلامت روان است که پیوند قالب‌های آگاهی فردی و زندگی اجتماعی، مبانی تفکر فلسفی و الگوی رفتاری جامعه‌ای را تبیین می‌نماید و به فرد و جامعه که در برخورد با پیرامون رخدادهایی از چالش‌های اجتماعی که با مشکلات روانشناختی مواجه شدند، کمک می‌کند تا در رویارویی با چالش‌ها با تقویت خودآگاهی و تغییر الگوهای قدیمی از شرایط ناخوشایند روحی نجات یابند و در عملکرد رفتاری درست قرار گیرند.

وین دایر سعی بر این نمود، تا ادراک روان‌درمانی خود را بر اساس درک الهی و دریافت انرژی از کائنات تبیین کند. در نگرش وین دایر اگر خداوند روح جهان است،

بسط معنویت در جامعه با رویکرد هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مقایسه‌ای وین دایر و مولوی.....

این روح می‌تواند وارد کالبد هر یک از موجودات و مخلوقات جهان شود. هر فرد می‌تواند با روح خداوند پیوند روحی برقرار نماید و بدین صورت خواهد بود که ذهن انسان با قالب‌های آرمانی خداوند پیوند می‌یابد. نشانه‌های کنترل ذهن در افرادی حاصل می‌شود که از انرژی کائنات بهره می‌گیرند. انرژی کائنات عامل اصلی ایجاد ذهنی متمرکز بوده که می‌تواند تأثیر خود را بر فضای رفتاری فرد و جامعه بگذارد.

به عبارتی، روان‌درمانی یکی از سازوکارهای کنترل رفتار انسان‌ها بر اساس الگوهای درونی است. کنترل ذهن به‌عنوان اصلی‌ترین نشانه روان‌درمانی در تفکرات وین دایر محسوب می‌شود. معنویت در رفتار انسان مورد نظر وین دایر بر اساس قالب‌های روان‌شناختی تعریف می‌شود. وین دایر سازوکارهای روان‌درمانی برای نیل به معنویت را محور اصلی تلاش انسان برای عبور از بحران‌های عصر مدرن دانست.

وین دایر در صدد برآمد تا از طریق کنترل ذهن و روان‌درمانی به نشانه‌هایی از ثبات شخصیت انسانی نائل شود. کنترل ذهن در نگرش وین دایر مبتنی بر تفکرات مثبت خواهد بود. نکته قابل توجه آن است که تفکرات مثبت در شرایطی وارد ذهن انسان می‌شود که نشانه‌هایی از نگرش همکاری‌جویانه انسان با محیط وجود داشته باشد. کنترل ذهن منجر به پرورش ذهنیت انسان در شرایط گسترش ارتباطی می‌شود. هرگونه گسترش ارتباطی می‌تواند زمینه لازم برای شکل‌گیری ارتباط بین‌الذات‌های انسانها در شرایط مثبت اندیشی را فراهم سازد. گسترش ارتباطی سالم در فضایی به وجود می‌آید که انسان بتواند بین قالب‌های هستی‌شناسانه فرد و جامعه رابطه متقابل سازنده و پویا برقرار کند (دایر، ۱۳۹۴: ۷۲).

کنش انگیزشی و اثربخشی فرهنگی

دومین قالب ادراکی در معرفت‌شناسی وین دایر، کنش انگیزشی و اثربخشی فرهنگی را شکل می‌دهد. وین دایر به این موضوع اشاره دارد که زمانی مدرنیته ظهور یافت که معنویت کارکرد خود را در ساختار اجتماعی و رفتارهای انسانی از دست داد. در این شرایط، نظام هستی‌شناسانه جدیدی شکل گرفت که رابطه فرد و جامعه بر اساس عناصر مادی زندگی اجتماعی تفسیر می‌شد. وین دایر کنش انگیزشی را محور اصلی رفتار اجتماعی انسان جدید می‌داند. معنویت در اندیشه وی بدون توجه به کنش انگیزشی حاصل نمی‌شود.

در معرفت‌شناسی وین دایر، دامنه معنویت در زندگی انسان می‌تواند خیلی وسیع باشد. وین دایر به این موضوع اشاره دارد که هر نظریه‌ای که ارائه می‌شود، قابلیت مدیریت و اثربخشی فرد و اجتماع را منعکس می‌سازد. مبانی و اصول معنویت در نگرش او تعیین می‌کند که چگونه می‌توان انعکاس معنوی را در سطح کلان زندگی مدیریت و بهره‌وری نمود. قالب‌های ادراکی و توصیه‌های کنش‌انگیزی وین دایر به این موضوع اشاره دارد که در عصر جنبش‌های اجتماعی نوین و سرگشتگی انسان فرد‌گرا در جامعه صنعتی لازم است تا زمینه شناخت سازوکارهایی به وجود آید که منجر به گذار انسان مدرن و تعادل رفتاری او از چالش‌های اثبات‌گرایی، نوسازی و فرد‌گرایی افراطی شود.

برساختگی معنویت در معرفت‌شناسی وین دایر

معرفت‌شناسی وین دایر مبتنی بر نشانه‌هایی از برساختگی (شناخت) انسان، انگیزش درونی، انگاره‌های ذهنی و تحرک در محیط پیرامونی است. آزادی و اراده در انسان‌شناسی وین دایر، انعکاس خود را در برساختگی معنویت شکوفا می‌نماید. معنویت آزادی و معنویت در عصر دایر همانند هرگونه کنش اجتماعی تحت تأثیر شرایط عمومی، تحولات تکنولوژیک و دگرگونی‌های اجتماعی در فضای تغییر قرار داشته‌اند. (همایی، ۱۳۷۴: ۶۹).

تبیین اندیشه‌های اجتماعی و معنویت در نگرش وین دایر در خصوص افراد جامعه هر عصر نیازمند شناخت محیط اجتماعی همان عصر خواهد بود که در آن جامعه و فرد رشد نمودند. بسیاری از شهروندان جامعه آمریکا بر این اعتقادند که وین دایر «بنیان‌گذار جنبش مدرن خودیاری» بوده و برخی دیگر او را به عنوان «پدر کنش‌انگیزی» می‌نامند. وین دایر دوران‌های تاریخی پرمخاطره و نسبتاً تراژیک را تجربه کرده است.

هرگونه برساختگی معنویت رابطه بین ساخت فردی، نقش گروه‌های اجتماعی و الگوی رفتار آنان برای زندگی بهتر را فراهم می‌سازد. اندیشه اجتماعی و قالب‌های مفهومی وین دایر، بازخوردی از تجربه اجتماعی و اقتصادی وی بوده است. معنویت در اصول وین دایر مبتنی بر مفاهیمی همانند «خودیاری» و «کنش‌انگیزی» بوده و نیازمند اراده انسان برای تغییر خود، محیط و سرنوشت می‌باشد (Hill, 2000: 67). تجربه وین دایر بیانگر این واقعیت است که توجه به معنویت و اتکا به خداوند، زیربنای کنش‌انگیزی و تحولات اساسی در انسان خواهد بود.

معناگرایی و در اندیشه وین دایر

معناگرایی در اندیشه وین دایر مبتنی بر ایده مسیح‌گونگی رفتار و منش انسان است. به همان گونه ای که برخی از نظریه پردازان بر ایده گناه اولیه تاکید دارند، وین دایر تلاش دارد تا مسیح‌گونگی رفتار انسانی را جایگزین اندیشه گناه اولیه نماید. چنین ایده تاثیر خود را بر چگونگی تفکر و عملکرد انسان مدرن بجا می گذارد. محور اصلی اندیشه وین دایر بر قابلیت اصلاح و بهینه سازی تفکر انسان گناهکار در جامعه مدرن است. مسیح‌گونگی در معناگرایی وین دایر به معنای قابلیت حیات‌بخشی است که زیست جدید انسان را تعریف می کند و منجر به ظهور گروهی با عنوان «تولد جدید» در جهان غرب گردیده است. معناگرایی دایر به این موضوع اشاره دارد که هر فردی می‌تواند انسان جدیدی از خود بسازد، فردی که تمامی ویژگی‌های «انسان ایده‌آل» را در خود دارد. محور اصلی فعالیت‌های وین دایر سخنرانی‌های انگیزشی مبتنی بر قالب‌های زندگی، تفکر و اندیشه معنوی برای ارتقاء و بازتولید انسان و تولد جدیدی از زیست معنوی در جامعه مدرن بوده است.

بسیاری از مفاهیم معنویت وین دایر الهام گرفته از «الهیات مسیحی» بوده است. وین دایر توانست معنویت را از الهیات و سنت‌های دینی جدا سازد. محور اصلی مطالعات وین دایر درباره معنویت مبتنی بر شناخت آثار فکری، هنری و ادبی نیمه دوم قرن نوزدهم بوده است. وین دایر در مطالعات خود به این جمع‌بندی رسید که معنویت در جهان غرب روند تکاملی داشته که با مذهب پیوند برقرار نموده اما به گونه تدریجی از حوزه دین به عرصه ادبیات اجتماعی و الگوهای عرفی مدرن تغییر مسیر داده است (ساعد و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۷۷).

اولین کتاب وین دایر که قالب‌های انگیزشی و معنویت او را بیان داشت، گام نخستین برای تحریک اجتماعی و شناخت وین دایر در جامعه امریکا محسوب می‌شد. وین دایر معنویت خود را با شور و شوق وصف‌ناپذیری برای تولد جدید انسانی قرار داده که از قابلیت لازم برای حیات‌بخشی دوباره به خود، جامعه و محیط پیرامون تعریف می‌شده است. معنویت وین دایر مبتنی بر «ایده مسیح‌گونگی در کنش انسانی» بوده است. در نگرش وین دایر، حضرت مسیح (ع) هیچ‌گونه وابستگی و اتکایی به حواریون و خانواده خود نداشت. ایده عیسی مسیح (ع) مبتنی بر نشانه‌هایی از خودسازی، خودیاری،

خوداتکایی و تحرک دائمی برای اثربخشی در محیط اجتماعی بوده است که این مفاهیم فراگیر در تمام کتب مقدس، پیامبران و اندیشه‌ی فلاسفه و متفکران و صاحب نظران دینی و الهی بوده است؛ به همین دلیل است که وین‌دایر بخش قابل توجهی از مطالعات و ادبیات خود را بر اساس مفاهیم و متون کلاسیک «لائوتزه» و «تاتوئیسم»، «کتب مقدس» و تفکرات متفاوت اندیشمندان همانند مولوی تبیین نمود (Bagheri Noaparast, 2012: 13).

آزادی و اراده در معرفت‌شناسی معنویت وین‌دایر

یکی از نشانه‌های اصلی کنترل ذهن را می‌توان در ارتباط با مفاهیمی همانند «آزادی و اراده» جستجو نمود. هر یک از این مفاهیم نقش محوری در شکل‌گیری تمرکز و کنترل ذهن دارد. کی‌یر کگارد روانشناس معاصر معتقد است؛ هرگاه انسان نسبت به آزادی و مسئولیت‌های اجتماعی خود، نتواند هماهنگی درست را بوجود آورد، دچار «اضطراب سرگیجه‌ی آزادی» می‌شود که این در اثر آگاهی محدود از خویشتن محدود بوجود می‌آید. با تعبیر کی‌یر کگارد، دایر به ارتقای خود مقدس اعتقاد دارد که می‌تواند بر بعد نفسانی فائق آید و کلیه‌ی قدرت‌های حیاتی انسان را احاطه و مدیریت کند. در نگرش وین‌دایر، اگر انسان‌ها فاقد تمرکز و کنترل ذهن باشند، در آن شرایط نه تنها فاقد معنویت بوده، بلکه آزادی و اراده خود را نیز از دست می‌دهند. به‌طور کلی می‌توان به این موضوع اشاره داشت که اگرچه دو مفهوم آزادی و اراده به‌گونه‌ای است که مولوی مشتاقانه از علت اراده و آزادی اختیار انسانی حمایت می‌کند و وین‌دایر به صورت یک اصل در اصول فکری خود جای می‌دهد.

وین‌دایر اعتقاد دارد که تفکر بخشی از عمل ذهن برای تصمیم‌گیری و رفتار اجتماعی است. کنترل ذهن بدون آگاهی و تفکر نمی‌تواند نتیجه اثر بخشی را ایجاد کند. به‌عبارت‌دیگر، می‌توان تأکید داشت که تفکر تمامی هستی انسان‌ها محسوب شده و می‌تواند رابطه بین انسان، جامعه، حوزه عمومی، حوزه خصوصی، عینیت و ذهنیت را در عملکرد فرد انعکاس دهد.

در اندیشه وین‌دایر، تمامی انسان‌ها و خلقت، انرژی و قدرت لایزال خداوند خواهند بود. در انرژی خداوندی، تفکر و روان اجتماعی انسان نقش محوری دارد. این بخش از اندیشه وین‌دایر مشابهت بسیار زیادی با معنویت مولوی دارد. وقتی مولوی به این موضوع اشاره دارد که «ای برادر تو همه اندیشه‌ای مابقی را استخوان و ریشه‌ای»، نقش اندیشه در

بسط معنویت در جامعه با رویکرد هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مقایسه‌ای وین دایر و مولوی.....

هویت و هستی انسان برجسته و حائز اهمیت بیشتری می‌شود (دایر، ۱۳۸۱: ۳۳).
«نیروی ذهن» ایده اساسی جریان «تفکر نوین» است، که با عنوان «قانون جذب» مشهور شده است. وین دایر متفکر و اندیشمند قرن معاصر می‌باشد و محوریت تفکر خود را بر «قانون جذب» بنا نهاده است. محور اصلی اندیشه‌های وین دایر بر روان‌درمانی واقع شده است. به همین دلیل است که وین دایر از سازوکارها روان‌شناسی برای تبیین معنویت بهره گرفته است. او معنویت را بر اساس سازوکارهای «مدیریت کنترل ذهن انسان» و «قانون جذب» برای موفقیت اجتماعی کاربردی نموده است. به طور کلی می‌توان گفت روان‌درمانی این روانشناس مبتنی بر نشانه‌هایی از معنویت است. معنویت وین دایر همانند مولوی از منبع الهی الهام گرفته شده است (حسین‌پور، ۱۳۹۶: ۲۹).

وین دایر رابطه بین تفکر و کنترل ذهن را به‌عنوان بخشی از اصول اصلی زیست انسانی تعریف می‌کند. اراده می‌تواند شکل جدیدی از تفکر را برای زیست هر انسانی کاربردی نماید. به عبارت دیگر، چگونگی نگرش به زندگی تابعی از قالب‌های تفکر، کنترل ذهن و اراده انسانی خواهد بود. اراده می‌تواند زمینه لازم برای «جریان عمل» را به وجود آورد. به این ترتیب، وین دایر بین عرصه درونی و بیرونی که ماهیت ذهنی و عینی دارد، رابطه متقابل ایجاد می‌کند.

هرگونه تمایل انسان با قالب تفکر پیوند می‌یابد. تفکر مسیر زندگی اجتماعی و انسانی را تعریف و تبیین می‌کند. اراده انسان می‌تواند قالب‌های تفکر را از سیالیت (قابلیت تبدیل) خارج کرده و در عرصه زندگی اجتماعی و فردی به کار گیرد. چگونگی رابطه عین و ذهن در معنویت وین دایر از این جهت اهمیت دارد که هرگونه واکنش ذهنی انسان می‌تواند راهنمای عمل تلقی شده و زمینه لازم برای رفتار فردی و اجتماعی را به وجود آورد.

وین دایر در تبیین چگونگی رابطه عین و ذهن به این موضوع اشاره دارد که جهان مادی نمی‌تواند بدون قالب‌های فکری، کنترل ذهن و اراده انسانی، سبک و کیفیت زندگی انسانها را شکل دهد. دایر تأکید دارد که «این جهان نیست که کیفیت زندگی شما را تعیین می‌کند، بلکه این شما هستید که تصمیم می‌گیرید که جهان را از طریق تفکر خود چگونه و به چه نحو ببینید و بسازید» (دایر، ۱۳۸۳: ۴۵).

بسیاری از مبانی فکری وین دایر الهام گرفته از حضرت مسیح است. در انجیل لوقا

بیان شده: انسان‌ها به آن چیزی تبدیل می‌شوند و سرنوشتی را پیدا می‌کنند که همواره ذهن و قالب‌های ادراکی آنان را شکل داده است. به همان گونه‌ای که «الف والو و امرسون»^۱ به این موضوع اشاره دارد که در بسیاری از موارد انسان‌ها به آن چیزی تبدیل می‌شوند و سرنوشتی را پیدا می‌کنند که در تمامی روز ذهن و قالب‌های ادراکی آنان را تسخیر کرده است.

نظریه بسط معنویت مولوی

اندیشه مولوی، مبتنی بر بسط معنویت بر «خودسازی درونی» و «بازگشت به خویش» بوده است، خودسازی و بازگشت به خویشی که تحول‌ساز باشد. دغدغه اصلی معنویت مولوی را می‌توان در ارزش‌های تحول‌ساز درونی دانست که از انگیزه لازم برای سازندگی انسان و جامعه برخوردار باشد. تحول‌پذیری انسان و بازگشت به خویش اصول ارزشمند ارزش‌های معنوی مولوی را منعکس می‌سازد. مولوی در خصوص تحول درونی سروده است:

جان من کوره است و با آتش خوش است کوره راه این بس که خانه آتش است
خوش بسوز این خانه را ای شیر مست خانه عاشق چنین اولی تر است (مولوی، ۱۳۸۰: ۲).

معنویت و تحول‌پذیری در زیست انسان مبتنی بر دو قالب «تأمل درونی» و «ادراک اجتماعی» است. مولوی توانست بین دو متغیر یادشده رابطه برقرار کند و نشان دهد که معنویت به مفهوم تأمل و دگرگونی درونی خواهد بود. چنین نگرشی انعکاس‌نشانه‌هایی از عرفان مولوی و معرفت‌شناسی در ادبیات اجتماعی می‌باشد، به تعبیری ادراک فردی و اجتماعی است که جلوه‌هایی از رهایی‌بخشی و آزادی‌اندیشی انسان را در بازگشت به خویش منعکس می‌نماید که در سروده‌های ارزشمند مولوی مشاهده می‌نماییم (Erricker, 2001: 65).

حقیقت‌جویی در معرفت‌شناسی معنوی مولوی

حقیقت‌جویی در نگرش معرفت‌شناسی مولوی به انسان‌هایی که به دنبال کمال و حقیقت‌جویی و خودآگاهی هستند، نگاهی معنامحور و پویا می‌بخشد. کشف حقیقت

^۱- Ralph Waldo Emerson.

بسط معنویت در جامعه با رویکرد هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مقایسه‌ای وین دایر و مولوی.....

مبتنی بر اندیشه و رفتار دینی است. در نگرش مولوی، دیندار واقعی با گذشتن از مرحله شناخت عقلی به برترین مرتبه حیات دینی نایل می‌شود. این اکتشاف درونی، رابطه مستقیم بین شناخت عقلی، عرفان و مبانی دینی دارد. به همین دلیل است که راه رسیدن به «حقیقت مطلق» کاری دشوار به نظر می‌رسد. حقیقت مطلق در اندیشه مولوی نشانه‌هایی از خداجویی و حقیقت‌یابی را به ظهور می‌رساند. اشعار ذیل بیانگر چگونگی حقیقت‌یابی انسان در اندیشه معنوی مولوی می‌باشد:

هر گمان تشنه ی یقینست ای پسر می زند اندر تزیاید بال و پر
چون رسد در علم پس پر پا شود مر یقین را علم او بویا شود
علم جویای یقین باشد بدان و آن یقین جویای دیدست و عیان (مولوی)،
دفتر ۳ : ۴۱۴۲-۴۱۱۸).

کشف حقیقت دارای رویکرد متفاوتی است. مولوی تحت‌تأثیر اندیشه‌های افلاطونی به دو نوع حقیقت توجه دارد. مفهوم «حقیقت مجازی» را در برابر «حقیقت مطلق» قرار می‌دهد و به این موضوع می‌پردازد که دین، عرفان و زندگی اجتماعی اهداف نسبتاً یکسانی را پیگیری می‌کنند که می‌تواند زمینه لازم برای همکاری‌های چند جانبه زیست معنوی و دریافت حقیقت مطلق را فراهم آورند. در سازوکارهای کشف حقیقت در نگرش او پیوندی از زندگی دینی، آرای عرفانی، تجربه ی عرفانی و معرفت‌شناسی وجود دارد که می‌تواند زمینه ی لازم برای همکاری‌های چند جانبه در شناخت الهی فرد را فراهم آورد (قصیر، ۱۳۸۹: ۱۶۵).

رو و سر در جامه ها پیچیده اید لا جرم با دیده و نادیده اید
آدمی دید است و باقی پوست است دید آن است آن که دید دوست است
چون که دید دوست نبود، کور به دوست کو باقی نباشد، دور به (مولوی)، دفتر
۱ : ۱۴۲۹-۱۴۰۵).

کشف حقیقت در معنویت مولوی مبتنی بر ارتباط با دوست است. مفهوم «لقاء الله» به معنای چگونگی دیدار با خداوند که همان کشف حقیقت اصلی و واقعی است (مولوی، ۴۱۲).

شناخت حقیقت به مفهوم شناخت خداوند است. شناخت خداوند در معنویت مولوی ماهیت تجربه‌شدنی داشته که برای تمامی انسان‌ها قابل فهم خواهد بود. شناخت

خداوند ابتدا براساس نشانه‌های تجربه حسی شکل گرفته که رابطه بین انسان و خدا از طریق مدرکات تجربه حسی حاصل می‌شود. رابطه انسان با خدا رابطه‌ای صرفاً عقلی و یا در قالب احکام جزمی اعتقادی نیست، بلکه می‌توان آن را به‌عنوان بخشی از احساس درونی انسانی دانست که همبستگی آرمانی با قالب‌های دینی و اجتماعی پیدا می‌کند. قالب‌های شناختی انسان از خداوند در نگرش «رینولد نیکلسون» عینیت بیشتری دارد. نیکلسون در شرح بی‌تی از مولوی به این موضوع اشاره دارد که شناخت خداوند همان رویت حق است (عطار نیشابوری، ۱۳۶۶: ۳۶).

شناخت خداوند در شرایطی حاصل می‌شود که انسان بتواند بر نفس خود غلبه کند. غلبه بر نفس به معنای پذیرش دستورات خداوند است. کسی که به شناخت خداوند نایل می‌شود، از قابلیت لازم برای درک قالب‌های آرمانی برخوردار شده و از نفس خود پیروی نمی‌کند. متعلقات نفس ابعاد متنوعی داشته که وصول به چنین مقامی متضمن قربانی نفس و همه متعلقات مربوط به آن خواهد بود. ذوق وصال بدون شناخت خداوندی حاصل نخواهد شد. شناخت خداوندی نیازمند عشق خالص بوده که با عرفان و حکمت پیوند می‌یابد (عطار نیشابوری، ۱۳۶۶: ۶۵).

جمال حقیقت خداوند بخشی از روشندلی انسان است. انسان اجتماعی که وظایف خود را در قالب آموزه‌های دینی و خداوندی به انجام می‌رساند و به پاکیزگی اخلاقی رسیده است، می‌تواند شکل جدیدی از رفتار اجتماعی را تبیین می‌نماید که ماهیت خداگونه دارد. سفر سالک به لقاء الله بخشی از شناخت قلبی او را منعکس می‌سازد. آینه‌ی صیقل شده‌ی قلب یکی از کنش ارتباط اصلی انسان و خدا محسوب می‌شود. مولوی به این موضوع اشاره دارد:

هر کسی اندازه‌ی روشن دلی غیب را بیند به قدر صیقلی
هر که صیقل بیش کرد، او بیش دید بیشتر آمد برو صورت پدید (مولوی، دفتر ۴: ۲۹۳۳-۲۹۰۹).

شناخت الهی خداوند و رسیدن به زیست معنوی و انسانی، رابطه درهم‌تنیده‌ای بین زندگی الهی، عشق خداوندی، کشف و شهود را دارد. «آندره هیل» به این موضوع اشاره دارد که هر یک از نشانه‌های یاد شده بخشی از مدیریت درونی انسان بوده که می‌تواند زمینه اشتیاق انسان برای پیوند با خداوند را فراهم آورد. معنای زندگی در شرایطی ماهیت

بسط معنویت در جامعه با رویکرد هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مقایسه‌ای وین دایر و مولوی.....

آرمانی و الهی پیدا می‌کند که همه سرنوشت و اعمال انسان مطابق با دیدگاه الهی باشد. رسیدن به مقام شهود و شناخت خداوند، توسط انسان‌های خالص و بدور از وابستگی‌های دنیایی امکان‌پذیر می‌گردد. انسان کمال جو تلاش می‌نماید تا به این مرحله شهود و رهایی از تمام تعلقات دنیا برسد تا بتواند در مسیر الی الله قرار گیرد. این انسان یک انسان معناگرا، وارسته و جامع کون و مکان که در خدمت خداوند و جامعه خواهد بود (قصیر، ۱۳۸۹: ۱۶۵).

کمال عشق و هستی‌شناسی معنوی مولوی

کمال عشق مفهومی معناگرایانه در اندیشه معنوی و معرفت‌شناسی مولوی دارد. رشد و معرفت انسانی بدون انگیزش‌های معنامحور حاصل نمی‌شود. کمال عشق در معنویت مولوی به مفهوم پیدا کردن واقعیت وجودی انسان است.

اولین و اصلی‌ترین ویژگی خداوندی خلاقیت است. خلقت انسان نشانه بارز قدرت ذات خداوندی (عالم صغیر) است. دومین نشانه خداوندی که مبتنی بر آموزه‌های رفتاری برای تمامی انسان‌ها است، مبنی بر رأفت و مهربانی بوده است. ویژگی سوم رأفت و مهربانی خداوند با جهان آفرینش خواهد بود و جهان آفرینش خلاقیت خداوند محسوب می‌شود و این رأفت و مهربانی بسیار لذت بخش و بعنوان عشق واقعی خداوند به بندگانش تبیین شده است (زمانی، ۱۳۹۱: ۲۲۵).

عشق در اندیشه مولوی با ادبیات عرفانی پیوند یافته است. معنویت مولوی، عشق را به معنای قالب‌های ادراکی و حسی می‌داند که می‌تواند زمینه‌های لازم برای پیوند انسان با خدا در قالب دین و ارتباط معنایی فراهم آورد.

عشق در معنویت مولوی به چگونگی رابطه انسان با خداوند تأکید دارد و این نوع عشق حیات‌بخش بوده و زمینه ایجاد شوق و اشتیاق زندگی برای انسان‌ها را به وجود آورد (ساعد و دیگران، ۱۳۸۷: ۳۶).

مولانا در این ارتباط تأکید دارد که:

هر چه گویم عشق را شرح و بیان چون به عشق آیم، خجل‌گردم ز آن
گر چه تفسیر زبان روشنگر است لیک عشق بی‌زبان روشن‌تر است
چون قلم اندر نوشتن می‌شتافت چون به عشق آمد، قلم بر خود شکافت (مولوی،

دفتر ۱: ۱۶۱-۱۱۲).

مولانا در قصه‌ی شاه و کنیزک ما را به سیر و سلوک باطنی به تمثیل سفر نمادین شاه و مواجه شدن او با حوادث و رخداد‌های نمادین که هر یک معرف مراحل تکامل روح و روان و چگونگی گذر از بحران‌ها موانع و دالان‌های تاریک درونی است، رهنمون می‌سازد.

مولانا در این قصه‌ی نمادین ما را با جهانی تازه، زیستی متعالی و عشقی طربناک و شورانگیز آشنا می‌سازد، او با زدودن نقاب‌ها و پاک کردن رنگ‌های تیره و تار از دل‌های زنگار گرفته، نگاه کبود ما را به عالم هستی روشن و شفاف می‌کند. پیش‌چشم‌داشتی شیشه‌ی کبود ز آن سبب عالم کبودت می‌نمود (مولوی، دفتر ۱: ۱۳۵۳-۱۳۲۶).

او با برداشتن عینک‌های سیاه رنگ، نگاه درست و ناب را به بیننده‌ی اهل دل باز می‌گرداند. این دگرسانی و دگربودگی بدون پی بردن به نقص و نارسایی‌های وجود فعلی، امکان‌پذیر نیست. چرا که این تحوّل طی سفر درونی و استکمال وجودی پدیدار می‌شود. هر که نقص خویش را دید و شناخت اندر استکمال خود، ده اسبه تاخت (مولوی، دفتر ۱: ۳۲۱۲).

چون خدا ما را برای آن فراخت که به ما بتوان حقیقت را شناخت (مولوی، دفتر ۱: ۳۵۵۰).

آنچه را که از ادبیات مولانا مشاهده می‌شود بیانگر آن است که عشق انسان به خداوند فراتر از محبت بوده و معرفت الهی را منعکس می‌سازد. به هر میزان انسان از قالب‌های دینی و معرفت آرمانی و آگاهی بیشتری برخوردار باشد طبیعی است که آموزه‌های دینی و عرفانی موثرتری به دست می‌آورد (میبیدی، ۱۳۳۹: ۵۲).

معناگرایی انسانی و الهی در معرفت‌شناسی مولوی

مولوی در صدد برآمد تا قالب‌های ادراکی و تحلیلی مربوط به معناگرایی انسانی و معناگرایی الهی را در کنار هم تبیین نماید. معنویت را می‌توان به عنوان بخشی از نمادهای ذهنی و قالب‌های آرمانی دانست که رابطه مستقیم و نامتعیّن انسان و حضرت حق را تبیین می‌کند. معنویت در بینش مولوی ریشه در ساحت وجود انسانی دارد. انسان براساس چگونگی ارتباط خود با خداوند می‌تواند به مراتب قابل توجهی ارتقا یافته و به نشانه‌هایی از «عقل اول»، نایل گردد. عقل اول بیانگر آن است که انسان می‌تواند موقعیت خود را در

بسط معنویت در جامعه با رویکرد هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مقایسه‌ای وین دایر و مولوی

«نفس کلی و لوح الهی» محفوظ بدارد. در عالم صغیر نیز نام‌ها و نشانه‌هایی ظهور می‌یابد که برحسب چگونگی اثربخشی و پیامدهای آن در محیط اجتماعی دارای آثار و انعکاس متفاوتی خواهد بود و هویت انسان را در اجتماع هویدا و موثر می‌کند. وین دایر و مولوی قالب‌های ادراکی نسبتاً متفاوتی با یکدیگر در تحلیل معناگرایی انسانی دارند.

تاب‌آوری با نشانه‌های هدایت‌پذیری در نگرش مولوی و وین دایر

مولوی محور اصلی اندیشه خود را در ارتباط با قالب تاب‌آوری تبیین نموده است. مولوی در صدد برآمد تا مبانی اندیشه فلسفی و عرفانی خود را در ارتباط با ارتقاء جایگاه رفتاری و نفسانی انسان تعریف نماید. موضوع اصلی وین دایر و مولوی، آرامش انسان خواهد بود. زیست عرفانی و معنوی می‌تواند زیرساخت‌های چنین آرامشی را به وجود آورد. در چنین شرایطی است که انسان به آرامش درونی نائل می‌شود.

در نگرش مولوی تاب‌آوری زمینه لازم برای هدایت انسانی را به وجود می‌آورد. به هر اندازه انسان از ضریب هدایت‌پذیری بیشتری برخوردار شود، به نشانه‌های بالاتری از تاب‌آوری نائل می‌شود. معنویت از این جهت در زندگی مدرن اهمیت دارد که می‌تواند زمینه لازم برای «تاب‌آوری» را فراهم آورد. به هر اندازه انسان‌ها از قابلیت لازم برای تاب‌آوری بیشتری برخوردار باشند، به همان میزان دارای «بهداشت روانی» موثقت‌تری برای مقابله با مشکلات اجتماعی خواهند بود.

تاب‌آوری یکی از واقعیت‌های نهفته انسان مدرن محسوب می‌شود که می‌تواند بالندگی وی را افزایش داده و به‌عنوان مقدمه‌ای برای مقابله با مشکلات ایفای نقش کند. معنویت در ادبیات سازمان بهداشت جهانی نیز بسیار مورد توجه قرار گرفته و براساس نشانه‌هایی همانند «ارتقاء و استعلائی فردی»، «حداکثرسازی روابط بینافردی»، «هماهنگی، پذیرش واقعیت‌ها و رموز زندگی» و «باورهای عاطفی و درونی» شکل گرفته است. چنین نشانه‌هایی به منزله بستر مناسب فراهم نمودن برای عبور از چالش‌های روانی زندگی مادی در عصر مدرنیته است (تیلور، ۱۳۸۹: ۱۹).

وین دایر اشاره دارد اولاً هدایت معنویت در شرایطی حاصل می‌شود که انسان در زندگی تعهد بیشتری نسبت به خود و هموعان خود داشته باشد، ثانیاً برای زندگی خود جهت‌گیری و معنا تعیین کرده باشد. در چنین شرایطی است که زندگی دارای ماهیت و روح خوشایند خواهد بود. روان‌شناسی مثبت‌زیربنای معنویت را تشکیل می‌دهد و مبتنی

بر هیجان، جاذبه و معناداری در زندگی انسانی خواهد بود. به هر اندازه انسان، تاب آوری و قابلیت بیشتری در زندگی اجتماعی به دست آورد نتایج موثرتری برای بهداشت روانی خود و دیگر هم‌نوعان فراهم می‌آورد (سلیگمن، ۱۳۹۲: ۲۱).

نشانه‌شناسی مقایسه‌ای بسط معنویت و ظرفیت‌های انسانی در نگرش مولوی و وین

دایر

بین بسط معنویت و ظرفیت‌های انسانی رابطه متقابل و اثربخش وجود دارد. مولوی بسترسازی نمود تا نشان دهد که رشد انسان و تکامل او از طریق ارتقاء «ظرفیت‌های انسانی» حاصل می‌شود.

ظرفیت‌سازی را می‌توان بستری برای بسط معنویت دانست. در نگرش مولوی، هر انسان دارای کشش و میل درونی است. جهت‌گیری و کنش معنوی، نقش موثر و سازنده‌ای در سرنوشت انسانی دارد (ریویر، ۱۳۸۲: ۶۹).

اندیشه‌ی معنویت مولوی با ظرفیت‌سازی پیوند یافته و زمینه رفتار اجتماعی سازمان‌یافته‌ای را پی‌ریزی می‌نماید. مولوی به این موضوع اشاره دارد که انسان دارای کشش و میل درونی برای نیل به معنویت است.

معنویت مولوی با قالب‌های برساختگی اجتماعی هماهنگی دارد. یعنی آنکه بسط معنویت می‌تواند رابطه درونی انسان با انسان و جامعه را منعکس سازد (زرین‌کوب، ۱۳۷۹: ۹۴).

شکوفایی معنوی در شرایطی حاصل می‌شود که انسان با همت و تلاش خود حجت‌های درونی را کشف و به مرحله نهایت طلبی برسد، نهایت طلبی مبتنی بر کسب مقام الهی اجتماعی است. مولانا کسب این مقام را عامل اصلی حیرت و سرگشتگی انسان می‌داند. اگرچه نشانه‌هایی از نصرت الهی در آن وجود دارد، اما چنین نصرت الهی عمدتاً با نشانه‌هایی از بهت و حیرت پیوند می‌یابد. شاید بتوان این چنین تعبیر نمود اگر چه انسان دچار حیرت می‌شود اما این حیرت به نوعی در آن هدایت الهی وجود دارد.

پس همین حیران و واله باش و بس تا در آید نصر حق از پیش و پس
چون که حیران گشتی و گیج و فنا با زبان حال گفتی اهدنا (مولوی)، دفتر ۴
: ۳۷۶۰-۳۷۵۱.

بسط معنوی براساس مفاهیم‌هایی از معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی شکل می‌گیرد.

بسط معنویت در جامعه با رویکرد هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مقایسه‌ای وین دایر و مولوی.....

هرگاه انسان در وضعیت سرگشتگی عقلی قرار گیرد، در آن شرایط تنها راه خود را خودشناسی و معرفت‌شناسی می‌داند. زیست معنوی می‌تواند تحولی بنیادین در انسان ایجاد نموده و به‌عنوان نگهبان درون عامل اصلی بیداری انسان شود، که مسیر جدیدی در زندگی انسان بدست می‌آید. مسیری که بتواند برای او مسئولیت‌پذیری و آرامش فردی و اجتماعی بدور از رذایل اخلاقی با کسب فضایل اخلاقی را ترسیم نماید.

از منظر وین دایر معنویت و قدرت الهی دو مفهوم نزدیک بهم می‌باشند. اتصال به قدرت الهی در شرایطی تداوم می‌یابد و اثربخش خواهد بود که انسان خود را با رمز و راز خداوندی سازگار سازد. تحقق این امر بر اساس نشانه‌هایی از الهام‌پذیری، شهود و مدیتیشن حاصل می‌شود. خواسته‌های نفسانی در زمره عواملی محسوب می‌شود که اراده انسان برای تحقق اهداف معنوی و مثبت را کاهش می‌دهد. انسان‌هایی که در وضعیت خود مهم‌پنداری قرار می‌گیرند عموماً با چالش‌های زیادی در زندگی روبرو خواهند شد. بخشی از چالش‌های زندگی انسانی را انتظارات فزاینده شکل می‌دهد. وین دایر بر ضرورت تعادل و موازنه در زندگی اجتماعی و اقتصادی تأکید دارد، عدم آگاهی انسان از ظرفیت‌ها و استعدادهای درونی خود باعث تعارض و عدم توازن فردی در تمام امورات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی در جامعه خواهد شد.

توأمندسازی قدرت اندیشه در نگرش هستی‌شناسی و بسط معنویت در شرایطی حاصل می‌شود که اولاً انسان بتواند به روح و جسم خود انضباط دهد. نکته دوم آنکه خرد و توانایی خود را به گونه‌ای شکل دهد که بر نشانه‌هایی از تمرکز ذهنی توأم با نیت درست و هدفمند سازگار نماید. نکته سوم آنکه به مسیر و راه خود عشق بورزد. نسبت به کاری که انجام می‌دهد بیگانه نباشد، با همکاران و محیط پیرامون خود صمیمانه رفتار کند و نسبت به خود و هموعان و درک کائنات با هدف الهی زیستن احساس مسئولیت نماید(دایر، ۱۳۸۴: ۱۹).

شخصیت معنوی در نگرش مقایسه‌ای وین دایر و مولوی

نظریه‌پردازان معنویت به این موضوع اشاره دارند که هرگاه انسان‌ها در وضعیت معناگرایی قرار گیرند، میزان وابستگی خود به جاذبه‌های دنیوی را کاهش می‌دهند. مسئولیت اجتماعی در شرایطی حاصل می‌شود که انسان بتواند خود را از میزان تعلقات زندگی دنیوی رهایی دهد. رهایی از هرگونه تعلقات دنیوی منجر به کاهش وابستگی

انسان خواهد شد. تجربه تاریخی بیانگر این واقعیت است که انسان صلح‌جو عموماً میزان وابستگی خود به زندگی مادی را به حداقل ممکن کاهش می‌دهد. در نگرش وین دایر، هر گونه وابستگی مانعی برای زندگی عالی، هوشیارانه و مسئولانه خواهد بود.

به همان‌گونه‌ای که مولوی مفهوم شخصیت توانمند و اراده فردی را با یکدیگر پیوند می‌دهد، وین دایر نیز تلاش دارد تا استحکام شخصیت را محور اصلی موفقیت و نقش‌یابی انسان بداند. کسی که از شخصیت آزاد برخوردار است، به گونه اجتناب‌ناپذیر قادر خواهد بود تا ابتکار مؤثری در زندگی اجتماعی و ساختاری به وجود آورد. انسان معناگرا در عصر وین دایر فردی خواهد بود که دارای خلاقیت و تحرک اجتماعی است. محور اصلی اراده در نگرش وین دایر «شخصیت حقیقی فرد» می‌باشد. جنبه‌های عرفانی تفکر وین دایر ماهیت روان‌شناختی داشته و انسان خلاق و نوع دوست را محور اصلی انسان هدفمند و الهی قرار می‌دهد. انسانی که از قابلیت لازم برای تغییر الگوهای رفتاری برخوردار بوده و می‌تواند شکل جدیدی از رفتار انسانی توسعه‌یابنده و اثربخش را در فضای اجتماعی منعکس سازد.

محور اصلی اندیشه و رفتار تمامی رهبران دینی، دستیابی به شرایطی است که انسان بتواند نفس خود را کنترل و مهار سازد. بسیاری از جنگ‌های دینی نشان‌دهنده واقعیت دین نبوده، بلکه باید آن را واکنشی دانست که مبتنی بر غرایز انسانی بوده و انسان برای آرامش خود به توجیه دینی و اخلاقی مبادرت می‌ورزد. این در جایی که با عمل انسانی موافق نباشد یک فریب و خدعه‌ای بیش نخواهد بود. عبارت دیگر، محور اصلی اندیشه خداوند آن است که انسان‌ها بتوانند حرکت انسانی خود را بر اساس ضرورت‌های محیط اجتماعی شکل دهند و در شرایط خودکنترلی و خودتنظیمی فرار گیرند و با اراده مسئولیت درونی خود را پیرایش دهند و به دنبال منافع فردی نباشند بلکه مصلحت جمعی را ملاک انسانی و الهی خود قرار دهند.

مسئولیت‌پذیری انسانی در نگرش مقایسه‌ای وین دایر و مولوی

وین دایر و مولوی این موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهند. مسئولیت‌پذیری بخشی از نقش‌پذیری و صلح‌جویی انسانی است که واقعیت‌های محیط اجتماعی و سازمانی را درک می‌کند و درصدد برمی‌آید تا چالش‌ها را بر اساس پیدا کردن راه‌حل‌های جدید مبتنی بر نشانه‌هایی از ریسک‌پذیری را در جامعه حل و فصل نماید.

بسط معنویت در جامعه با رویکرد هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مقایسه‌ای وین دایر و مولوی.....

اخلاق فردی در انگاره وین دایر تابعی از قالب‌های کنترل ذهن می‌باشد. کنترل ذهن نشانه‌هایی از اخلاق، شخصیت و الگوی رفتار انسانی را با یکدیگر پیوند می‌دهد. اگرچه سیستم حاکم بر نظام جهانی نشانه‌هایی از «کل‌گرایی» را منعکس می‌کند، اما باید به این موضوع توجه داشت که به هر میزان انسان‌ها خود را بر اساس مسئولیت اجتماعی موقوت‌تری تعریف نمایند، نظام خلقت و ساخت اجتماعی نیز دریچه‌های بهتری را برای موفقیت فرد باز خواهد نمود (دایر، ۱۳۹۵: ۱۲۰).

مسئولیت‌پذیری محور اصلی اندیشه وین دایر خواهد بود. انسانی که از مسئولیت‌پذیری برخوردار است، قادر می‌شود تا جلوه‌هایی از وحدت وجود را به نمایش گذارد. مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی با شکل‌بندی آزادی در تفکرات درونی انسان ارتباط همه‌جانبه‌ای دارد. وین دایر بر این موضوع تأکید دارد که انسان‌ها باید در فضای مبتنی بر آزادی عمل در ارتباط با خالق و مخلوق، کائنات پیوند یابند و افکار مثبت و الهی خود را منعکس نمایند.

هرگونه کنش بدون توجه به آزادی عمل چالش‌های اجتماعی خاص خود را به وجود می‌آورد. آزادی عمل انسان‌ها در شرایطی اهمیت پیدا می‌کند که مسئولیت‌پذیری اجتماعی به نحو شایسته‌ای ظهور یابد. هر انسانی مجموعه نقش‌های مختلفی را در جامعه ایفا می‌کند. بقای هر فرد و جامعه به میزان مسئولیت‌پذیری انسان‌ها بستگی دارد. وین دایر به این موضوع اشاره دارد که هر فردی باید در کنش تعاملی با ساختار اجتماعی به سطح خاصی از وحدت رفتاری نائل شود هم نوع خود را از خود بداند و به این علم برسد که در کل هستی الهی همه از یک ریشه هستیم و هر آسیبی فرد و انسانی بیند در واقع کل هستی و نظام خلقت آسیب خواهند دید هرگز در پی آسیب زدن همنوعان و جامعه نخواهد بود و سرنوشت آنها را در نظام خلقت و هستی از سرنوشت خود جدا نمی‌بیند (دایر، ۱۳۹۵: ۱۳۱).

نشانه‌های هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی معنویت در نگرش مقایسه‌ای مولوی و

وین دایر

نشانه‌های هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مولوی با جهان درون انسان پیوند می‌یابد. مولوی توانست شکل خاصی از مفاهیم شناخت و آگاهی را تعریف نماید که با اصل و هویت انسان، جامعه و اندیشه عرفانی پیوند داشته باشد. آنچه را که در ادبیات رازآمیز

مولوی درباره انسان بیان می‌شود، با قالب‌های معنایی و حکمت مولوی پیوند یافته است (پل ویلم، ۱۳۷۷: ۷۲).

نشانه‌هایی که رابطه بین انسان، خدا و جامعه را منعکس می‌سازد را می‌توان در شعر ذیل از قول مولانا مشاهده کرد:

خویش را صافی کن از اوصاف خود تا ببینی ذات پاک صاف خود
بینی اندر دل علوم انبیا بی کتاب و بی معید و اوستا (مولوی، دفتر ۱:
۳۴۶۰-۳۵۰۹).

بی صحیحین و احادیث و رواه بلکه اندر مشرب آب حیات
از درون خویش جو چشمه را راه آبش بسته شد، شد بی نوا (مولوی، دفتر
۴: ۲۰۱۷-۱۹۶۸).

محور اصلی تفکر مولوی در شرایطی است که انسان به خلوص تمام نایل می‌شود. خلوص در اندیشه مولوی به معنای عشق است. بنابراین روان‌درمانی عارفانه مولوی در معنویت معنا پیدا می‌کند. عشق و معنویت درهم تنیده شده‌اند و هر یک می‌تواند دیگری را تعریف و توصیف نمایند. عشق ماهیت درون‌گرایانه دارد. معنویت که رابطه درون‌گرایانه همراه با عشق دارد، افعال انسان را نسبت به خدا و جهان و اجتماع نقش آفرین می‌کند (مولوی، ۱۳۸۶: ۹۵).

هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی معنویت مولوی مربوط به تکامل انسان است. انسان ابعاد چندگانه‌ای دارد که از قابلیت لازم برای تکامل برخوردار است. تکامل انسان مربوط به شرایطی است که بتواند خداوند را با تمامی قالب‌های فکری و اندیشه‌ای درونی خود جستجو نماید. محمدعلی موحد در بیان ویژگی‌های انسان اجتماعی و معنویت مولوی به این موضوع اشاره دارد که: «ما ز بالایم و بالا می‌رویم»، این بسط و عظمت و وسعت بی‌پایان را انسان نه تنها در آن سوی عالم خارج بلکه در اندرون خود نیز می‌تواند بیابد. در عالم اسرار اندرون آفتاب‌هاست و ماه‌هاست و ستاره‌هاست و... (مولوی، ۱۳۸۶: ۷۲).

هستی‌شناسی معنویت مولوی در قالب چگونگی نگاه به جهان هستی معنا پیدا می‌کند. جهان هستی تابعی از زندگی دنیوی و اخروی است. معنویت بدون تفکر و تلاش برای بقا حاصل نمی‌شود. در فضای معنویت است که اندیشه نیک انسان شکل گرفته و روابط اجتماعی در این جهان زیبا و موثر و الهام‌بخش می‌شود. شعر ذیل بیانگر آن است

بسط معنویت در جامعه با رویکرد هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مقایسه‌ای وین دایر و مولوی.....

که چگونه قالب‌های اندیشه و ذهنیت انسان محور اصلی رفتار او در محیط اجتماعی خواهد بود. به همین دلیل است که برخی از نظریه‌پردازان به این موضوع اشاره دارند که اگر اندیشه انسان نیک و زیبا شود جهان نیز در نزد او نیک و زیبا می‌شود (کریمی، ۱۳۸۳: ۲۶).

ای برادر تو همان اندیشه ای
ما بقی خود استخوان و ریشه ای
گر گل است اندیشه، تو گل گلشنی
ور بود خاری تو هیمه ی گلخنی (مولوی،
دفتر ۲: ۳۰۱-۲۷۷).

معنویت مولوی بیانگر این واقعیت است که بخش قابل‌توجهی از بدبختی‌ها، افسردگی‌ها، دل‌مردگی‌ها، اضطراب‌ها و ناامنی‌های آدمی ریشه در اندیشه‌ها و تفکر فردی و اجتماعی او دارد. به هر میزان که انسان از بدبینی بیشتری برخوردار شود، طبعا با سختی‌ها و اضطراب بیشتری روبه‌رو می‌شود. به همین دلیل است که انسان‌ها و کائنات صرفا در فضای موازنه قرار دارند، هر چه آگاهی درونی و معرفت الهی انسان بیشتر باشد، از شرایط سخت بحران‌ساز فاصله گرفته و قابلیت لازم برای نقش یابی متوازن را پیدا می‌کند (ملکیان، ۱۳۸۲: ۷۸).

جمله خلقان سخره ی اندیشه اند
ز آن سبب خسته دل و غم پیشه اند (مولوی،
دفتر ۲: ۳۵۵۹).

معرفت و هستی‌شناسی در اندیشه وین دایر به این دلیل ضرورت دارد که انسان‌ها می‌بایست بخش قابل‌توجهی از خویشتن خود را براساس فضای عرفانی و روانی تعریف نمایند. در چنین شرایطی است که محدودیت‌ها را از زندگی خود کاهش داده و انسان می‌تواند از نیازهای جسم مادی عبور کند. چنین انگاره‌هایی در بسیاری از قالب‌های اندیشه‌ای «پال» وجود دارد.

پال در ارتباط با این موضوع به انسان‌ها هشدار می‌دهد که هرگز به جاذبه‌های جهان خاکی دلبستگی پیدا نکنید، زندگی خود را براساس عبور از جسم مادی تعریف کنید و به نیکی‌ها توجه کنید، زیرا نیکی‌ها می‌تواند زمینه کمال مطلق را برای انسان‌ها به وجود آورد. پال همچنین به این موضوع اشاره دارد که تمامی انسان‌ها در نزد خداوند دارای روح مشترک هستند. روح انسانی می‌تواند زمینه پیوند و همبستگی انسان‌ها را به وجود آورد (کمپانی زارع، ۱۳۹۰: ۱۹۲).

فضای عرفانی و انرژی الهی در نگرش وین‌دایر و پال مبتنی بر ذهنیت غیر مادی و موضوعات اجتماعی است. براساس چنین نگرشی، اگر کسی با روح خداوندی پیوند پیدا کند، احساس همبستگی بیشتری با یکدیگر خواهد داشت. درحالی‌که به هر میزان انسان‌ها خود را درگیر زندگی مادی نمایند، در آن شرایط با یکدیگر فاصله گرفته و هر یک تلاش دارند تا خودخواهی‌های درونی خویشتن خویش را تأمین نمایند.

وین‌دایر و پال تأکید دارند که انسان‌ها صرفاً بر اساس روح اجتماعی و مدنی است که می‌توانند با یکدیگر روابط دوستانه و مبتنی بر همبستگی داشته باشند. انسان معجزه‌آفرین با قالب‌های مادی زندگی انسانی ارتباط کمتری داشته و به الگوهای معنوی گرایش پیدا می‌کند. پال اشاره دارد که روان، تفکر و ذهنیت معنوی انسان‌ها هیچ‌گاه از بین نرفته و هر فرد تلاش می‌کند تا خود را با چنین واقعیت‌هایی تطبیق دهد.

وین‌دایر به این موضوع اشاره و تأکید دارد که بخش قابل توجهی از تمامی هستی کائنات را انرژی تشکیل داده که مربوط به روح الهی خواهد بود. ایمان به فضای مملوء از انرژی و روح الهی منجر به شرایطی می‌شود که انسان خود را با واقعیت‌های جوهر هستی، روح الهی و معنویت وابسته سازد. در این شرایط انسان به قابلیت دست می‌یابد که نیرومند شده و نقشی جادویی و دائمی ایفا می‌کند (دایر، ۱۳۹۵: ۲۸) با توجه به برداشت وین‌دایر می‌توانیم تحلیل نماییم، انسان به مرحله خودآگاهی همان معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی رسیده و خود را از جهان و جامعه هرگز جدا نمی‌بیند و با هدف یکی شدن با جامعه، روح الهی را درک می‌نماید و به مرحله درک هستی نائل می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

مولوی در قرن هفتم و هشتم هجری شمسی می‌زیست با وین‌دایر در ارتباط با مفهوم معنویت و عرفان با در نظر گرفتن همسویی و همبستگی، دارای تفاوت‌های فکری هستند. از جمله این همبستگی‌ها می‌توان به نشانه‌هایی همانند: فطری بودن عشق، پاک‌بازی در راه عشق، تسلیم در برابر معشوق و توجه به عشق الهی اشاره نمود. طبیعی است که در چنین شرایط و فضایی نشانه‌هایی از مردم‌گرایی، اخلاق انسانی و دوری از رذایل اخلاقی مورد توجه این دو اندیشمند بوده است.

انسانی که معنویت را پیشه خود کرده، به این موضوع واقف می‌باشد که عشق به

بسط معنویت در جامعه با رویکرد هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مقایسه‌ای وین دایر و مولوی

خداوند باید انعکاس اجتماعی داشته باشد. در نگرش حکمت‌آمیز و پر از راز و رمز اندیشه‌های مولوی، خلقت نماد خداوند است و هدفمندی از خلقت به معنای آن است که رابطه انسان و خداوند را تعالی بخشد. قالب‌های معنایی در ادبیات مولوی بسیار متنوع بوده و همواره به این موضوع اشاره دارد که چگونه باید عشق زمینه شادمانی و سرور درونی، مسئولیت‌پذیری را در جامعه بوجود آورد (مولوی، ۱۳۸۶: ۹۱).

اندیشه‌های مولوی درباره عشق و عرفان با روح و اندیشه ایرانی و اسلامی همبستگی دارد. چنین نشانه‌هایی را می‌توان در اشعار مثنوی و اخلاق اجتماعی مولوی مشاهده کرد. واقعیت آن است که بخش قابل توجهی از اندیشه و جهان‌بینی مولوی بر گفته‌ها و انگاره‌های وین دایر تأثیر به جا گذاشته است. وین دایر بخشی از جهان‌بینی خود را به گونه مستقیم و غیرمستقیم از مولوی و دیگر فلاسفه شرقی اخذ نموده است.

نکته اول، نشانه بسط معنویت در نگاه وین دایر و مولوی، ارتباط مستقیم با شاخص‌های ذهنی و ادراکی انسان دارد. وین دایر و مولوی مبانی فکری خود را از شناخت و آگاهی درونی انسان آغاز کردند. وین دایر از ادبیات و مفاهیم روان‌شناختی بهره گرفته و آن را نتیجه کنش انسانی قرار داده است. انگیزش در ادبیات و انگاره وین دایر با قالب‌هایی همانند عشق، مسئولیت انسانی، دوست داشتن، انجام بهینه کار و عدم شکایت نسبت به محیط پیرامون پیوند یافته است. مولوی نیز تلاش نموده است تا انسان برگزیده‌ای را معرفی کند که رابطه متقابل سازنده با خداوند، خود و سایر شهروندان دارد.

نکته دوم، مولوی درصدد برآمد تا زمینه‌های لازم برای پیوند اصل و هویت آدمی و یا به عبارتی جهان درونی انسان را با جهان بیرونی تبیین نماید. به همین دلیل است که درصدد حجاب‌زدایی برآمد. مولوی معتقد است، انسان معناگرا باید بتواند بر خویشتن خویش آگاه شود و رفتارهای خود را کنترل نماید و با پاکسازی و خودسازی درونی بین خود، خدا و جامعه حجاب‌زدایی و شفاف‌سازی می‌کند. مولوی در این ارتباط به نشانه‌هایی از خودسازی انسانی اشاره دارد. خودسازی انسانی بدون حکمت و کتاب الهی و سلوک معنوی حاصل نمی‌شود.

نکته سوم، که در اندیشه، ادبیات و روان‌شناسی وین دایر وجود دارد، «مفهوم روح» می‌باشد. روح خلاق در اندیشه وین دایر دارای شور و شغفی است برای ساختن

دنیای خود و هم‌نوعان که ارتباط مستقیمی با قالب‌های ماوراءالطبیعه و خالق هستی دارد. در چنین نگرشی، محور اصلی کنش انسانی رابطه متقابل روح با خداوند به‌عنوان ایده مطلق بوده که حاکم بر جهان است. وین دایر روح را انعکاس فیض الهی و درک سرشار خلاقانه وجود خداوند دانسته است.

نکته چهارم، عشق خداوند و مخلوقات، عشق دو سویه است. مولوی همواره به این موضوع اشاره دارد که انسان با عشق به گونه پایان ناپذیر در جستجوی خالق خواهد بود که مطابق با آن تلاش می‌نماید تا یک زندگی معنوی و سعادت‌مندی را بدست آورد و خداوند این تلاش انسان را بی پاسخ نخواهد گذاشت و راه هدایت واقعی که همان کشف حقیقت است را به او نشان خواهد داد و این در مرحله کمال واقعی و بدور از همه تعلقات دنیایی شکل خواهد گرفت و انسانی که بدنبال معناست رویکرد معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی را به مفهومی واقعی درک خواهد نمود و در یک آرامش مطلق بسر خواهد برد.

نکته پنجم، حوزه ادراکی وین دایر ارتباط مستقیم با قالب‌های مفهومی «خوش‌بینی و مهربانی» دارد. اگرچه خوش‌بینی و مهربانی رابطه مستقیم با عشق و روح دارد، اما برخلاف عشق و روح خدایی، انسان در فضای خوش‌بینی و مهربانی باید از سازوکارهای عملگرایی برای ایجاد آرامش بهره‌مند شود. در چنین شرایطی است که انسان خوش‌بین عموماً قالب‌های ذهنی و تمایلات بدبینانه را از خود دور می‌سازد. تمایلی به منفی‌بافی و گله‌مندی از دیگران ندارد.

نکته ششم در معنویت وین‌دایر و مولوی، درک متقابل و سازنده انسان‌ها است. مثبت‌اندیشی و خوش‌بینی رابطه درهم‌تنیده‌ای بین انسان، خداوند و سایر افراد ایجاد می‌کند. روابط بین‌افردی را ارتقا می‌دهد. وین دایر اعتقاد دارد که هرگونه کنش ارتباطی سازنده و دوستانه بین انسان‌ها می‌تواند زمینه نزدیک‌سازی انسان به خداوند را به وجود آورد. در چنین شرایطی است که انسان می‌تواند از طریق مثبت‌اندیشی با تمامی جهان و کائنات پیوند برقرار نموده و با آنان یکی شود.

نکته هفتم، در قالب‌های ادراکی وین دایر و مولوی در ضرورت زدودن تعلقات دنیوی، مادی و هوای نفسانی بوده است. در چنین نگرشی، اگر انسان عشق به خداوند و جامعه داشته باشد، در آن شرایط دچار خودخواهی نمی‌شود و تلاش دارد تا وظایف

بسط معنویت در جامعه با رویکرد هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مقایسه‌ای وین دایر و مولوی

خود را به بهترین نحو به انجام رساند. عشق به کار، عشق به خانواده، عشق به صمیمیت و دوستی، محور اصلی اندیشه وین دایر و مولوی در جامعه انسانی خواهد بود. دایر به این موضوع اشاره دارد که عشق مطلق نه تنها ماهیت الهی بلکه انسانی هم دارد. عشق مطلق در سرشت خداوند بوده که به جامعه و انسان‌ها منتقل شده است.

منابع

- اسمارت، نینیان (۱۳۸۳). تجربه دینی بشر، مرتضی گودرزی، ج ۱، تهران: سمت.
- اعتماد، جلیل؛ جوکار، بهرام؛ راهیما، سمیرا (۱۳۹۴). پیش‌بینی شادکامی بر مبنای احساس شرم و گناه، بررسی نقش
- تعدیل‌گری جنسیت، مطالعات روان‌شناختی، دوره یازدهم، شماره ۲: ۶۷-۸۵.
- بیانی، شیرین (۱۳۸۲). مولانا جلال‌الدین و راز آفرینش؛ تحفه‌های آن جهانی، ویراستار علی دهباشی، تهران: انتشارات سخن.
- تیلور، چالز (۱۳۸۹). تنوع دین در روزگار ما، مصطفی ملکیان، تهران: نشر شور.
- پل ویلم، ژان (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی ادیان، ترجمه عبدالرحیم گواهی و محمدتقی جعفری، تهران: تیان.
- حسین‌پور، رسول (۱۳۹۶). واکاوی و نقد مبانی انگاره‌های وین دایر (در متن روان‌شناسی مثبت و روان‌درمانی معنوی
- مذهبی)، دو فصلنامه تخصصی مطالعات معنوی، سال ششم، شماره ۲۴: ۷-۳۱.
- دایر، وین (۱۳۸۱). اندیشه‌های ماندگار، ترجمه محمدرضا آل یاسین، تهران: انتشارات هامون.
- (۱۳۸۲). مراقبه؛ روشی برای برقراری ارتباط آگاهانه با خداوند، مترجم سیما فرجی، تهران: انتشارات نسل نواندیش.
- (۱۳۸۳). برای هر مشکلی راه‌حل معنوی وجود دارد، مترجم سیما فرجی، تهران: انتشارات نسل نواندیش.
- (۱۳۸۴)، آیین سرنوشت‌سازی: ۹ اصل برای کامیابی و شکوفایی آرزوها، ترجمه جمال هاشمی، تهران: شرکت سهامی انتشارات.
- (۱۳۸۴). قدرت قصد و نیت، مترجم رؤیا مخبر، تهران: انتشارات مهنا.
- (۱۳۸۶). اعجاز واقعی، مترجم محمدرضا آل یاسین، تهران: انتشارات هامون.
- (۱۳۹۴). خود مقدس شما، مترجم ناهید ایران‌نژاد، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات فصل نواندیش.

بسط معنویت در جامعه با رویکرد هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مقایسه‌ای وین دایر و مولوی.....

- (۱۳۹۵). درمان با عرفان، ترجمه جمال هاشمی، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- (۱۳۹۷). نه اصل معنوی، ترجمه امیر کرمانی، چاپ نهم، تهران: انتشارات

پارسه،

- (۱۳۸۴). آیین سرنوشت‌سازی: ۹ اصل برای کامیابی و شکوفایی آرزوها،

مترجم جمال هاشمی، تهران: شرکت

سهامی انتشارات.

- ریویز، کلود (۱۳۸۲)، درآمدی بر انسان‌شناسی سیاسی، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر

نی.

- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۶)، سرنی، تهران، انتشارات علمی.

- زمانی، کریم (۱۳۹۱)، میناگر عشق، تهران: انتشارات نی.

- ساعد، امید و دیگران (۱۳۸۷). مکانیزم‌های اثر معنویت بر سلامت روان، تازه‌های

روان‌درمانی، سال سیزدهم، شماره ۴۷ و ۴۸ - ۶۸.

- سعیدی، گل بابا (۱۳۸۷). فرهنگ جامع اصطلاحات ابن عربی، تهران: نشر زوار.

- سلیگمن، مارتین ای. پی (۱۳۹۲)، شکوفایی روان‌شناسی مثبت‌گرا: درک جدیدی از

نظریه

شادکامی و بهزیستی، ترجمه، امیر کامکار و سکینه هژبریان، تهران: انتشارات روان.

- شریفی‌دوست، حمزه (۱۳۹۰). نیم‌نگاهی به معنویت وین دایر، تهران: عصر آگاهی.

- شیرمحمدی، لیلا و دیگران (۱۳۸۹). رابطه سخت‌رویی، رضایت از زندگی و امید با

عملکرد تحصیلی دانشجویان، پژوهش‌های

نوین روان‌شناختی (روان‌شناسی دانشگاه تبریز)، دوره پنجم، شماره ۲۰: ۱۲۵-۱۴۷.

- عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۶۶)، منطق الطیر (زبان پرندگان) ویراستاری توسط صادق

گوهرین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۳)، عشق درمانی (روان‌درمانی عارفانه)، انتشارات دانژه.

- کمپانی‌زارع، مهدی (۱۳۹۰)، مولانا و مسائل وجودی انسان، تهران: نشر نگاه معاصر.

- قصیر، نذیر (۱۳۸۹). معنای زندگی از نگاه مولانا و اقبال، ترجمه محمد بقائی (ماکان)،

چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه

تهران.

- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۲)، انسان، دین و معنویت نوین، نشریه حدیث زندگی، شماره ۱۲، مرداد و شهریور.
- میدی، رشید الدین ابوالفضل (۱۳۳۹)، کشف الاسرار و عده الابرار، به کوشش علی اصغر حکمت، تهران: چاپخانه سپهر.
- رضا، میرزایی و دیگران (۱۳۹۷)، بحران معنویت در جهان معاصر، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال بیست و دوم - شماره ۱
- مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۸۰). مثنوی معنوی، ویراستار نیکلسون، تهران: نامک.
- همایی، جلال الدین (۱۳۷۴). مولوی نامه؛ مولوی چه می گفت؟، تهران: انتشارات هما.
- Bagheri Noaparast, K. (2012). "Physical and spiritual education within the framework of pure life", International journal of Childrens Spirituality, pp1-16.
- Erricker, J. (2001). "Spirituality and Notion of Citizenship in Education, In Spiritual; Cultural, Religious and Social Differences, new perspectives for the 21st century", Brighton Portland: Sussex Academic press.
- Hill, P.C., Pargament, K.I. and others (2000), "Conceptualizing Religion and Spirituality: Points of Commonality", points of Departure, Journal for the Theory of Social Behavior, Vol 30, No1, pp 51-77.

